PUNJAB PUBLIC SERVICE COMMISSION

COMBINED COMPETITIVE EXAMINATION FOR RECRUITMENT TO THE POSTS OF
PROVINCIAL MANAGEMENT SERVICE -2020

SUBJECT: **PERSIAN (PAPER-II)**

TIME ALLOWED: **THREE HOURS** | **MAXIMUM MARKS: 100**

NOTE:
- i. All the parts (if any) of each Question must be attempted at one place instead of at different places.
- ii. Write Q. No. in the Answer Book in accordance with Q. No. in the Q. Paper.
- iii. No Page/Space be left blank between the answers. All the blank pages of Answer Book must be crossed.
- iv. Extra attempt of any question or any part of the question will not be considered.

۱- درج ذیل اقتباسات میں سے کسی ایک اقتباس کا اردو یا انگریزی میں ترجمہ کریں: ۱۰

الف: ملك زاده ای گنج فراوان از پدر میراث یافت دست کرم برگشاد و داد سخاوت بداد و نعمت بی دریغ بر سپاه و رعیت بریخت- یکی از جلسای بی تدبیر نصیحتش آغاز کرد که ملوك پیشین مرین نعمت را بسعی اندوخته اند و برای مصلحتی نهاده دست ازین حرکت کوتاه کن که واقعه ها درپیش است و دشمنان از پس نباید که وقت حاجت فرومانی. ملك روی ازین سخن بهم آورد و مرورا زجر فرمود و گفت مرا خداوند تعالی مالك این مملکت گردانیده است تا بخورم و ببخشم نه پاسبان که نگاه دارم.

ب: نقل است که کسی ابراهیم را هزار دینار آورد که: "بگیر" گفت: "من از درویشان نستانم". گفت:"من توانگرم". گفت: "از آن که داری، زیادت باید؟" گفت: "باید" گفت: "برگیر که سرِ همه درویشان تویی. خود این درویشی نمی بُوَد، گدایی بُوَد" و گفت: "سنگی دیدم در راهی افکنده، و بر وی نبشته که: "برگردان و برخوان" بر گردانیدم و برخواندم، بدان سنگ نوشته بود که:"چون تو عمل نکنی بدانچه می دانی، چگونه می طلبی آنچه نمی دانی؟".

۲- درج ذیل اقتباسات میں سے کسی ایک اقتباس کا اردو یا انگریزی میں ترجمہ کریں: ۱۰

الف: و از عوام گروهی دیدم که علم را بر عمل فضل نهادند، و گروهی عمل را بر علم. و این هر دو باطل است؛ از آن که عمل بی علم عمل نباشد. عمل آنگاه عمل گردد که موصولِ علم باشد تا بنده بدان مر ثواب حقّ را متوجّه گردد. چون نماز که تا نخست علم ارکان طهارت و شناخت آب و معرفت قبله و کیفیت نیت و ارکان نماز نبود، نماز نماز نبود. پس چون عمل به عین علم عمل گردد، چگونه جاهل آن را از این جدا گوید؟ و آنان که علم را بر عمل فضل نهادند هم محال باشد، که علم بی عمل علم بناشد؛ از آن که آموختن و یادداشتن و یادگرفت وی جملهٔ عمل باشد، از آن است که بنده بدان مُثاب است. و اگر علمِ عالم به فعل و کسب وی نبودی، وی را بدان هیچ ثواب نبودی.

ب: چون تفحص کردم از حال وی جز آن هیچ دیگر نداشت و آن را ایثار ما کرد، پس آن زال را گفتم مرا می شناسی؟ گفت نه، گفتم من حاتم ام، باید که شما به قبیلهٔ ما آیی تا ما در حق شما تکلفی واجب دارم و حق آن ضیافت بگزارم، آن زن گفت: جز ابر مهمانی نستانیم و نان به بها نفروشیم، و از من هیچ قبول نکردند، من بدانستم که ایشان از من کریم ترند.

ورق الٹیے

examPen

CamScanner

۳۔ درج ذیل اجزا میں سے کسی ایک جزو کا اردو یا انگریزی میں ترجمہ اور تشریح کریں: ۱۰

الف:

ای قوم بـه حج رفتـه کجائید کجائید — معشوق همین جاست بیائید بیائید
معشوق تو همسایهٔ دیوار به دیوار — در بادیه سر گشته شما در چه هوائید
گر صورت بی صورت معشوق ببینید — هم حاجی و هم کعبه و هم خانه شمائید
صد بار از این راه بدان خانه برفتید — یك بار از این خانه بر این بام بر آئید

ب:

بیا که قصر امل سخت سُست بنیاد ست — بیار باده که بنیاد عمر برباد ست
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود — ز هرچه رنگ تعلق پذیر آزاد ست
نصیحتے کنمت یاد گیر و در عمل آر — که این حدیث ز پیر طریقتم یاد ست
مجو درستی عهد از جهان سُست نهاد — که این عجوزه عروس هزار داماد ست

۴۔ درج ذیل اجزا میں سے کسی ایک جزو کا اردو یا انگریزی میں ترجمہ اور تشریح کریں: ۱۰

الف:

دل ز تن بردی و در جانی هنوز — دردها دادی و درمانی هنوز
آشکارا سینه ام بشگافتی — همچنان در سینه پنهانی هنوز
ملك دل کردی خراب ز تیغ کین — وند راین ویرانه سلطانی هنوز
هر دو عالم قیمتِ خود گفته ای — نرخ بالا کن که ارزانی هنوز

ب:

بیا و جوش تمنای دیدنم بنگر — چو اشك از سر مژگان چکیدنم بنگر
ز من بجرم تپیدن کناره می کردی — بیا بخاك من و آرمیدنم بنگر
گزشته کار من از رشك غیر شرمت باد — ببزم وصل تو خود را ندیدنم بنگر
شنیده ام که نه بینی و نا امید نیم — ندیدن تو شنیدم شنیدنم بنگر

۵۔ درج ذیل اجزا میں سے تین اجزا کا اردو یا انگریزی میں ترجمہ اور تشریح کریں: ۳۰

الف:

سجده ے کزوے زمین لرزیده است — بر مرادش مهر و مه گردیده است
سنگ اگر گیرد نشانِ آن سجود — در هوا آشفته گردد هم چو دود
این زمان جز سربزیری هیچ نیست — اندرو جز ضعف پیری هیچ نیست
آن شکوه ربی الاعلیٰ کجاست — این گناهِ اوست یا تقصیرِ ماست

ب:

دل رهروان قریبی به کلام نیش دارے — مگر این که لذت او نرسد به نوك خارے
چه کنم که فطرت من به مقام در نسازد — دل ناصبور دارم چو صبا به لاله زارے
چو نظر قرار گیرد به نگارِ خوبروئے — تپد آن زمان دل من پے خوب تر نگارے
ز شرر ستاره جویم ز ستاده آفتابے — سر منزلے ندارم که بمیرم از قرارے

exampen

CamScanner

ج:

تیر و سنان و خنجر و شمشیرم آرزوست   با من میا که مسلک شبیرم آرزوست
از بهر آشیانه خس اندوزیم نگر   باز این نگر که شعلهٔ در گیرم آرزوست
گفتند لب ببند و ز اسرار ما مگو   گفتم که خیر نعرهٔ تکبیرم آرزوست
گفتند هر چه در دلت آید ز ما بخواه   گفتم که بی حجابی تقدیرم آرزوست

د:

من اندر مشرق و مغرب غریبم   که از یاران محرم بی نصیبم
غم خود را بگویم با دل خویش   چه معصومانه غربت را فریبم
سرود رفته باز آید که ناید   نسیمی از حجاز آید که ناید
سر آمد روزگار این فقیری   دگر دانائے راز آید که ناید

۶۔ درج ذیل اردو اقتباس کا فارسی میں ترجمہ کریں: ۱۵

کہتے ہیں کہ نوشیروان عادل کے لیے شکار گاہ میں شکار کے کباب بنائے جا رہے تھے اور نمک نہیں تھا۔ ایک غلام کو نمک لینے کے لیے گاؤں میں بھیجا۔ نوشیروان نے کہا کہ نمک قیمتاً لانا، تاکہ رواج نہ پڑ جائے اور گاؤں تباہ نہ ہو جائے۔ لوگوں نے پوچھا کہ اس تھوڑی سی مقدار سے کیا فرق پڑے گا۔ تو نوشیروان نے کہا کہ آغاز میں ظلم کی بنیاد انتہائی کم تھی۔ جو کوئی آیا اُس میں اضافہ کیا۔ یہاں تک کہ یہ ظلم اِس انتہا کو پہنچ گیا۔

۷۔ درج ذیل سوالات میں سے کسی ایک سوال کا اردو یا انگریزی میں مفصل جواب لکھیے: ۱۵

i۔ علامہ محمد اقبال کے نظریۂ خودی پر سیر حاصل بحث کیجیے۔

ii۔ امیر خسرو کی غزل گوئی پر مفصل نوٹ لکھیے۔

iii۔ مولانا روم کی مثنوی معنوی پر تفصیل سے روشنی ڈالیے۔

CamScanner